



کلاه شرعی

شب و ستاره به مهتاب دروغ می گویند	برای به روز بودن دروغ می گویند	یکی کلاه شرعی را خوب بلد شده است
سحرگاه خواهد آمد دروغ می گویند	ترانه ها شده اند مثل مغلطه بازی	یکی نگفتن حق ، هر دو دروغ می گویند
کدام صبح سعادت چگونه بیاغازد ؟	اخیرا آهنگها هم دروغ می گویند	مگر که مادرشان یاد نداده درست
برای ملتی که به هم دروغ می گویند	همیشه هزاران نفر اسیر عاشقی اند	گناهکارند آنان که دروغ می گویند
در این زمانه که آدما به زمزمه ها	برای چه خوبان دروغ می گویند	کسی به حرف راست حتما علاقه ندارد
برای خوشایند هم دروغ می گویند	نگاه های مساوی نگاه های نفوذ	به خاطر همین بیشتر دروغ می گویند
زمانه ای متحول آدمای عجیب	به عشق امروزی ها دروغ می گویند	زبان دیگری هست شاید راستگویی
سر سفره به تعارف دروغ می گویند	برای پیش رفت و مطالبات مهم	نخوانده اند نشنیده دروغ می گویند
به قدری دروغ جای راست مد شده است	به هر حيله ای باشد دروغ می گویند	

شما که غریبه نیستید، دروغ چرا؟

دروغ چرا، ما خودمان برای اینکه جلوی چاپ و تکثیر ابتکارنامه را نگیرند مجبور شدیم دروغ های مثلاً مصلحتی زیادی بگوییم که به تیریش قبای سروران گرانقدر و بچه های بالا برنخورد. اما در این شماره از ابتکارنامه شدیداً و قویاً به مذمت دروغ و دغل خواهیم پرداخت به حول قوه الهی! الحمدلله تنها حسنی که دروغ دارد این است که تماماً از سکناش معلوم است و مشخص و تابلو. فی الحال با تمثیل های جالب لپ این ادعا را خدمتان عارض خواهم شد.

"دروغ ترسناک است و موجب ریزش پر می شود."

مثلاً آنجا که به دروغ می گویند: «سپرده تان را با خیال راحت به ما بسپارید» آدم تمام تنش که می لرزد هیچ، دلش می خواهد پولش را بسوزاند اما به شما نسپارد!

"دروغ خنده دار و مضحک است و دل درد می آورد."

مثلاً آنجا که به دروغ می گویند: «از سرعت واقعی لذت ببرید» آدم از خنده روده بُر می شود. یاد لحظات شیرینی میوفتیم که با تجربه سرعت منحصر به فرد اینترنت در این روزگار به دست آورده ایم.

"دروغ اعصاب خرد کن و لج دربیاری است و باعث سفید شدن مو می شود"

مثلاً آنجا که به دروغ می گویند: «آخرین ابزاری است که می خرید» آدم جیگر و جانش از ابتدا تا انتها می سوزد. البته بیراه هم نمی گویند با آن قیمت کذابی که محصولاتتان دارند نه تنها آخرین ابزار بلکه آخرین چیزی است که در تمام طول زندگی مان می خریم!

"دروغ شیرین است و ریسک ابتلا به دیابت را بالا می برد."

مثلاً وقتی می گویند: «دوست دار قلب شما» آدم یک دل نه صد دل عاشق و وابسته تان می شود. آنقدر قند در دلمان آب می شود که به جای چربی خون، قند خون می گیریم!

خلاصه که دروغ موجودی بس گوگولی است و آدم دوست دارد لُپش را بکشد. ولی طفلکی هرکار می کند و هرچقدر خود را می آراید بازهم قابل شناسایی است. حیف آنهمه ذوق و خلاقیتی که بعضی ها برای آراستنش به کار می برند و خودشان را به زحمت می اندازند درحالی که دماغ پینوکیو فقط با صداقت کوچک و عروسکی می ماند و لاغیر!





این حال و هوا دلپذیر نیست!

روزگاریست در عصری زندگی می‌کنیم که تمام فضایش پر شده از ناخالصی.

ناخالصی اینجا، ناخالصی آنجا، ناخالصی همه جا حتی در هوا!!!!!!

می‌گویند هوا دلپذیر شد اما به خاطر ناخالصی‌های بیش از حد نفسمان بند آمده و مجبورمان کردند از درب منازل طرح اجرا کنیم.

عجیب است! به اداره‌ها که سر می‌زنیم دم از بالاترین کیفیت‌ها و اجرای قانون و قوانین می‌زنند اما در بطن که می‌رویم نقض همان قوانین برای خودی‌ها حلال است و حلال.....الحمدالله که ما هم نخودی هستیم!

نمی‌دانم از عدالتش بگویم یا بی‌عدالتی‌اش، از قوانینش بگویم یا از زد و بندهایش، از پاکی اش بگویم یا نفسی که حقیقتاً بند آمده، اما همین را بس بگویم که کاش این هوش مصنوعی زودتر جایتان را بگیرد. حداقل وقتی داده‌ای را واردش می‌کنیم خارج از اجرای داده نه زد و بندی دارد نه نقص قوانینی.

تمام ترسشان از این است که هوش مصنوعی جایشان را بگیرد؟؟؟؟؟؟

ای هوش مصنوعی به زمین گرم بخورد اگر با این وضع و اوضاع جایشان را نگیرد. حداقل تکلیفش معلوم است و مقبول. حتی اگر قابل هک هم باشد بازهم ناهنجاری‌هایش از آلودگی‌های عصرمان دلپذیرتر خواهد بود.

نقل و نقل

مردم فکر می‌کنند دروغگو بر قربانی خود پیروز می‌شود. اما آنچه من آموخته‌ام این است که دروغ یک عمل خودشیفتگی است، زیرا فرد واقعیت خود را به کسی که به او دروغ می‌گوید تسلیم می‌کند، و آن شخص را ارباب خود می‌سازد. و از آن به بعد خود را به جعل کردن قسمتی از واقعیتها که فرد نیاز دارد درمورد وجهه‌اش برای دیگران جعل شود، محکوم میکنند... مردی که به دنیا دروغ می‌گوید، از آن پس بردهٔ جهان است. هیچ دروغ سفیدی وجود ندارد، همه‌ی دروغها، تخریبی سیاه هستند و دروغ سفید (دروغی که ظاهراً ضرری برای دیگران ندارد) سیاه‌ترین نوع آن است.

(این رند، فیلسوف و نویسنده ی روسی-امریکایی)

مهمتر از همه اینست که به خودتان دروغ نگویید. کسی که به خودش دروغ می‌گوید و به دروغ خودش گوش می‌دهد، به نقطه ای می‌رسد که نمی‌تواند حقیقت را در درون یا اطراف خود تشخیص دهد و بنابراین دیگر نمی‌تواند خود و دیگران را محترم بدارد. و بدون احترام، دیگر نخواهد توانست عشق بورزد. (فئودور داستایوفسکی، نویسنده روسی)

زیبایی ای در راستی هست، حتی اگر دردناک باشد. کسانی که دروغ می‌گویند، زندگی را پیچیده می‌کنند، طوری که قدرت را به جای ضعف و هوش را به جای نادانی نمایش می‌دهند. اما درواقع دروغ فقط نقایص ما را تقویت می‌کند. نه چیزی به کسی می‌آموزد، نه کمکی می‌رساند، نه چیزی را درست می‌کند. و نه شخصیت، ذهن، قلب و یا روح کسی را ارتقا می‌دهد. (جوز هریس، نویسنده امریکایی)

راستگویی بهترین چیز است؛ حتی وقتی دوست داشتنی نیست. هر موشی در فاضلاب می‌تواند دروغ بگوید. و همین است چیزی که آنها را موش کرده است. اما یک انسان فرار نکرده و در تاریکی پنهان نمی‌شود. دروغ گفتن بزدلانه‌ترین عمل انسانی که وجود دارد است! (ننسی فارمر، نویسنده امریکایی)

دروغ، همان چیزی است که انسان را از خود واقعی‌اش دور می‌کند.

لئو تولستوی (نویسنده روس)

تقابل دروغ و حقیقت

تاریخچه بازی محبوب مافیا

بازی مافیا در سال ۱۹۸۶ توسط دیمیتری داویتوف (Dmitry Davidoff)، یک روانشناس و استاد دانشگاه دولتی مسکو، ابداع شد. او این بازی را به‌عنوان یک آزمایش روان‌شناختی برای مطالعه رفتارهای اجتماعی و تعاملات گروهی طراحی کرد. هدف او بررسی روابط بین صداقت و فریبکاری در گروه‌های اجتماعی و نحوه تأثیرگذاری اقلیت بر اکثریت بود. در اصل میخواست متوجه بشه آدم‌ها تا چه حد میتونن چهره ی اصلی خودشونُ پنهان کنن و دروغ بگن اما همچنان تأثیرگذار باشند .

دلیل اختراع بازی مافیا

۱. بررسی نقش دروغ و فریبکاری: بازی مافیا به‌طور خاص برای تحلیل رفتار انسان‌ها، دروغگویی و استراتژی‌های فریب ساخته شده.
۲. مطالعه پویایی گروهی: داویتوف می‌خواست نحوه تعامل افراد را در شرایطی که مجبور به استنتاج، استدلال و متقاعدسازی یکدیگر هستند، بررسی کند.
۳. ایجاد یک ابزار آموزشی: او قصد داشت بازی‌ای طراحی کند که به دانشجویان کمک کند مهارت‌های تفکر انتقادی، مذاکره و تحلیل رفتار دیگران را توسعه دهند.

چگونه مافیا جهانی شد؟

- ابتدا این بازی در دانشگاه‌های مسکو محبوب شد و از آنجا به دیگر نقاط روسیه و اروپای شرقی گسترش یافت.
- در دهه ۱۹۹۰، دانشجویان بین‌المللی این بازی را به آمریکا و اروپا معرفی کردند.
- در دهه ۲۰۰۰، نسخه‌های مختلفی از مافیا، مانند Werewolf (گرگینه)، ساخته شد که به محبوبیت بازی در سراسر جهان کمک کرد.

چرا مافیا این‌قدر محبوب شد؟

۱. ترکیبی از استدلال، روان‌شناسی و تعامل اجتماعی
۲. هیجان و عدم پیش‌بینی‌پذیری
۳. مناسب برای جمع‌های دوستانه و دورهمی‌ها
۴. ارتباط با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، مانند نقش دروغ و فریبکاری در جامعه

تحلیل بازی مافیا

۱. روان‌شناسی:
 - مافیا مهارت دروغ‌گویی و فریبکاری را تمرین می‌کند، درحالی‌که شهروندان باید تحلیل و استدلال کنند.
 - بازی باعث استرس و فشار روانی می‌شود، مخصوصاً برای مافیاه‌ها که باید پنهان‌کاری کنند.
 - مهارت‌های تفکر انتقادی و بررسی زبان بدن در این بازی تقویت می‌شود.
۲. جامعه‌شناسی:
 - بازی نقش اقلیت در برابر اکثریت را نشان می‌دهد؛ مافیا در اقلیت است اما می‌تواند اکثریت را فریب دهد.
 - تأثیر رهبران کاریزماتیک در متقاعدسازی مردم، مانند سیاستمداران در دنیای واقعی، مشخص می‌شود.
 - شایعه و اطلاعات غلط نقش مهمی دارد، مانند رسانه‌ها و اخبار جعلی.

۳. استراتژی:

- بازیکنان باید اطلاعات را مدیریت کنند و دروغ‌های باورپذیر بسازند.
- متقاعدسازی و نفوذ اجتماعی در بازی تعیین‌کننده است.
- شهروندان باید همکاری کنند و مافیا باید استراتژی تیمی داشته باشد.

امروزه، مافیا نه‌تنها به‌عنوان یک سرگرمی بلکه در زمینه‌های آموزشی، روان‌شناسی و حتی در شرکت‌ها برای سنجش مهارت‌ها استفاده می‌شود.

بازی مافیا یک شبیه‌سازی از دنیای واقعی است که در آن حقیقت و دروغ، اعتماد و خیانت، استراتژی و فریبکاری در کنار هم قرار دارند. این بازی می‌تواند برای آموزش مهارت‌های تحلیل، مذاکره و تصمیم‌گیری استفاده شود.